

یادداشت روزنامه‌نگار مستعفی

از صوراسرافیل تا قند خون



لیلی فرهادپور

● در تاریخ آمده است که در دوران مشروطیت اگرچه روزنامه‌های زیادی در دفاع از آزادی و مشروطه منتشر شدند، اما «قانون» (که در لندن چاپ می‌شد) و «اختر» (که در استانبول) تندتیزتر بودند، اما هیچ‌کدامشان به پای «صوراسرافیل» و «چردوپرند»‌های دهخدا نمی‌رسید که در وسط همین پایتخت و بیخ گوش شاه قجری چاپ می‌شد؛ و همین بودندش در داخل مملکت بود که در تاریخ، شرقی برای صوراسرافیل قائل می‌شوند که آن نشریه‌های به‌طبع‌رسیده آن‌ور آب هیچ‌گاه به دست نیاوردند. برخی می‌گویند تاریخ تکرار نمی‌شود و برخی می‌گویند تاریخ تکرار مکررات است و در این میان می‌گویند که مارکس گفته است: «تاریخ دوبار تکرار می‌شود؛ بار اول به صورت تراژدی و بار دوم به صورت کمدی و قهرمانان این تاریخ دوبار زاینده می‌شوند؛ یک‌بار در قامت یک اسطوره و بار دوم به شکل یک دلقک …». این را داشته باشید، یک سر هم برویم بنگه دنیا، همه می‌دانیم که بعد از انقلاب کوبا و روی‌کار آمدن دولت کاسترو، عده‌ای از گویایی‌های مخالف کاسترو به آمریکا مهاجرت کردند و سلاک میامی شدند و ترجیح دادند از آنجا مخالفت یا مبارزه خود را علیه کاسترو ادامه دهند، اما درواقع افتادن در دام سیاست‌های ضدگویایی آمریکایی‌های پنتاگون نشین و عملا شدن عاملان ترور و قحاقچ مواد مخدر؛ یعنی به‌جای اینکه ضدکاسترو باشند، ضدکشورشان شدند. این‌را ر هم گوشه ذهنتان قرار دهید، و یک نگاهی بکنیم به مشکل تعطیلی کارخانه‌های مملکتمان و بلایی که رانت و رانت‌خواری بر سر اقتصاد و تولید ما آورده است و مشکلات کارگری و اعتراضات کارگری در داخل کشور. هرازگاهی اخباری از اعتصاب یا تحصن بی‌کاران و آسیب‌دیده‌ها یا دستک این رانت‌خواران اقتصاد فلج‌کن می‌شویم. اینکه موفق به اعتراض می‌شوند یا نمی‌شوند مهم نیست، مهم این است که خبرش اگر در رسانه‌های خارجی بیاید، بیشتر دهان‌به‌دهان نقل می‌شود و خیلی از فعالان اجتماعی داخل و خارج از آن حرف می‌زنند، ولسی وقتی در دل تهران، همین نزدیک گوش وزارت کار و دفتر ریاست‌جمهوری، نمایشی در مورد مشکل تعطیلی کارخانه‌ها و مشکل کارگران و بی‌کاری روی صحنه می‌رود، متأسفانه این فعالان اجتماعی اصلا درگیر نمی‌شوند. صوراسرافیل را در کوچه‌وبازار دست‌به‌دست می‌کردند، اما نمایش شریف و دیدنی «قند خون»، به نویسندگی و کارگردانی ایللی عاج و بازی‌های تحسین‌برانگیز الهام شعبانی، ارسطو خوش‌رزم و پریا وزیری را آنان که باید ببینند تاکنون ندیده‌اند. یا باید قبول کنیم که تاریخ تکرار نمی‌شود یا به حرف مارکس تاسی کنیم. . . امیدوارم که ما به‌عنوان مخاطبان اصلی این نمایش خدای‌نکرده به‌زعم مارکس دلقک نشده باشیم. نمایش شرافتمندانه «قند خون» را دیدم. نمایش، روایت مشکلات اجتماعی مردم حاشیه‌نشین و کارگران یک کارخانه تعطیل‌شده در ورامین است. نمایش روایت زمان حال است؛ همین الان. نه شعار می‌دهد و نه می‌خواهد بگوید «کارگران جهان متحد شوید». اگر صوراسرافیل و مارکس زنان را یاد برده بودند، در نمایش «قند خون» این زنان هستند که تاریخ را رقم می‌زنند؛ با عشق به زندگی، با تلاش برای تغییر، با نفریس و دعا. با کار در خانه و نه در کارخانه. با شکستن کله‌قندهایی که به‌عنوان دستمزد به کارگران بی‌کارشده داده‌اند و فروختن آنها و تهیه نان و غذا و دارو، با رسیدن به تحلیل ساده‌ای برای بقا؛ ول‌کردن و آمدن به تهران تا در فلان پردیس سینمایی به شستن دستشویی بانوا برپردازند و ۸۰۰ هزارتومان در ماه حقوق بگیرند و احياناً با مهناز افشار عکس. کوهستان (کارگر بی‌کارشده کارخانه قند با بازی ارسطو خوش‌رزم) به پروانه (همسرش با بازی الهام شعبانی) می‌گوید: «شما زن‌ها عقل ندارید!». ولی کدام عقل؟ بله زنان این طبقه به‌حاشیه‌رانده اجتماعی، عقل رانت‌خواران و نان‌بیران و اقتصادفلج‌کن را ندارند وگرنه از آب کره می‌گرفتند. جالب آنکه نمایش «قند خون» همین‌قدر شعار را که من در این یادداشت نوشتم ندارد. آن‌قدر واقع‌بینانه است که باورشان می‌کنی؛ باور می‌کنی وقتی که پروانه عکس مهناز افشار را در موبایلش به کوهستان نشان می‌دهد. لیلی عاج، کارگردان این نمایش، در مصاحبه‌هایش به تفصیل درباره چگونگی پردازش این سوزه صحبت کرده است. به او پیشنهاد کرده‌اند این نمایش را در جنوب شهر روی صحنه برد تا مخاطب آن یعنی مثلاً کارگران، ببینند، اما به نظر من این اشتباهی بزرگ است. مخاطب این نمایش دانشجویان، فعالان اجتماعی و نویسندگان و هنرمندان هستند. نمایش «قند خون» به‌اندازه دیدنش است؛ درست یک ساعت. نه نفست را بند می‌آورد، نه بغضی را که در کلو داری به اشک تبدیل می‌کند. طزاری‌های پروانه هرازچندگاهی لیخت به لب‌ت می‌آورد و تلخی را کم می‌کند. اگرچه شیرین (خواهر مطلقه کوهستان که آ آنها زندگی می‌کند، با بازی پریا وزیری) در خواب پدرش را دیده است که می‌رقصد و باور دارد که هروقت پدر در خواب او می‌رقصد خبر از بلایی است که سر می‌رسد، چراکه در سفره خالی آنها فقط رقصیدر پدر بود که شیرین بود، اما سرآخر خواهر و برادر با هم می‌رقصند که رقص در بسیاری از قوم‌ها و روستاهای ما نشانه زندگی است.

۱۹میلیارد تومان برای ۲جشنواره

هفته گذشته خبرگزاری ایلنا به نقل از سامانه «دسترسی آزاد به اطلاعات» رقم جالبی را درباره هزینه‌های جشنواره فیلم فجر اعلام کرد. طبق این گزارش، بودجه و هزینه سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر در بخش ملی بیش از ۱۱میلیارد تومان و در بخش جهانی بیش از هشت میلیارد تومان بوده است. براساس اطلاعات ارائه‌شده در این سامانه، رقم دقیق بودجه و هزینه سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر در بخش ملی ۱۱۶/۷۱۴/۹۹۹/۷۳۲ ریال، معادل ۱۱میلیارد و ۶۷۱ میلیون و ۴۹۹هزارو ۹۷۳ تومان و هزینه و بودجه سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر در بخش جهانی نیز ۸۴/۲۵۷/۱۳۹/۴۳۷ ریال، معادل هشت‌میلیارد و ۴۲۵ میلیون و ۷۱۳هزار و ۹۴۳ تومان بوده است»

پس از رسانه‌ای شدن این ارقام، محمد حدیدی، دبیر سی‌ونهمین جشنواره ملی فیلم فجر، در گفت‌وگو با «شرق»، ضمن تأیید ارقام ارائه‌شده در بخش ملی، ارائه اطلاعات دقیق‌تر را به روابط‌عمومی سازمان سینمایی واگذار کرد.

روابط‌عمومی سازمان سینمایی هم در پاسخ به این سؤال که «شائبه کم‌شدن ۹ میلیارد تومان در برگزاری این دو جشنواره چقدر صحت دارد»، چنین پاسخ داد: «واقعیت این است که در دولت هیچ بودجه‌ای نه کم می‌شود و نه می‌تواند کم شود. دلایلش هم این است که همه هزینه‌ها در «کتاب قانون بودجه» به‌طور شفاف درج می‌شود و «دیوان محاسبات» بر جزئیات و چگونگی هزینه‌ها اشراف کامل دارد. بنابراین علنی‌شدن چنین ارقام و اعدادی باید مورد استقبال قرار گیرد، چون سازمان سینمایی در مجموعه دولت با شفاف‌سازی‌کردن، اولا می‌خواهد مردم از هزینه‌ها آگاه شوند و دوم اینکه چنین آگاه‌سازی‌ای درباره جریان‌های فرهنگی – هنری می‌تواند پیامدهای مثبتی به همراه داشته باشد.

جلیل اکبری‌صحت درباره میزان بودجه و هزینه‌های این دو جشنواره مهم دولتی عنوان کرد: «بنابراین ارقام ارائه‌شده در همین چارچوب قابل بررسی است». مشاور رئیس سازمان سینمایی در برابر این پرسش که «در مواردی میزان هزینه‌ها از بودجه در نظر گرفته‌شده فراتر می‌رود و در این صورت آیا تمهیداتی در کتاب بودجه لحاظ شده است»، گفت: «به‌طور مثال گاهی در جشنواره‌ها شاهد هستیم فلان سالن برای دیدن فیلمی

برای اصحاب رسانه در نظر گرفته می‌شود که قطعاً عملی‌شدن چنین مسئله‌ای بدون هزینه نیست و البته در بودجه جاری هم در نظر گرفته

نشده که در این‌گونه موارد چنین هزینه‌کردهایی باز هم در شکل‌های مختلف در کتاب قانون بودجه در نظر گرفته شده که بعداً جزء هزینه‌های جشنواره تورنتو ۵۰میلیون دلار جشنواره ریندس ۵۱میلیون دلار جشنواره سیدنی ۵ میلیون دلار جشنواره فیلم‌کن ۲۱٫۷ میلیون دلار جشنواره فیلم برلین ۲۴ میلیون یورو ۱۲ میلیون یورو

آ این بی هویتی حتما درسخا بازی می دارم؟

بله، این بی‌هویتی چند تا بخش دارد و به مناسبات تولیدی، ماشینیزم و تقسیم‌بندی کشورها به جهان اول، دوم و سوم نیز برمی‌گردد که مشکلات اساسی مانند مهاجرت و تبعیض‌نژادی را به‌وجود می‌آورد و انسان بی‌هویت هیچ چیزی ندارد و به قول نیما برای آویختن قیای زنده خودش جایی ندارد ... که این از پس قرون آمده و نمی‌داند کجا باید آن را آویزان کند. طبیعتاً رابطه‌اش با آنچه با مدرنیسم است، به هم می‌خورد.

آ اهمیت فیلسوفان نقش ما در چیست؟

ما سه فیلسوف بزرگ داریم که فلسفه مشا، به این‌سینا، فلسفه متعالیه به صدرا و فلسفه اشراق که بر بام اینهاست، به‌نام سهروردی است. نوآموز ما امروز هیچ ارتباطی با این فلاسفه‌ها ندارد و تلاشی هم برای آموزش اینها نمی‌شود و هرچه تقصیر هست متوجه این‌ور است؛ چون خوراکي به بچه‌هایمان از دبستان تا دانشگاه نمی‌دهیم. بنابراین هیچ‌گونه شناختی از این افراد نیست و دانشگاه‌ها هم یک جور دیگر به‌دنبال ایجاد آرایش و ارائه افکاری است که به دلیل نبودن همان زیرساخت‌های فرهنگی همه را دچار اشکال و بی‌هویتی خواهد کرد. برای همین الگوی بچه‌ها ما ستاره‌های فوتبال و سینمای جهان و مدلینگ‌ها خواهد شد و اینها را بهتر از آدم‌های مهم خودشان می‌شناسد و اگر در یک مکان مانند خیابان ملاصدرا، سهروردی و ابن‌سینا از آنها ببرسیم اینها کی هستند؟ ممکن نیست جواب بدهند و در این حد که ابن‌سینا پزشکی‌گد بوده از او می‌گذرند و اصلاً نمی‌دانند ابن‌سینا یک فیلسوف است که او جهانی است و او آن زمان و این زمان را به‌خوبی می‌شناسد و در جهان صاحب کرسی است. متأسفانه این اتفاق نیفتاده است.

آ بحث هویت چقدر مهم است؟

هویت باعث ایجاد اعتمادبه‌نفس، آرامش و آسودگی خاطر در آدم‌ها می‌شود و بی‌هویتی باعث ایجاد حس تهی‌شدن می‌شود و آدم بی‌هویت از ماهیت خودش بی‌خبر است و این باعث می‌شود که از خودش و اصل و نسلش دور شود و درحالی‌که هویت و جوهره هر آدمی به لحاظ درونی باعث

هنر



مقایسه بودجه ۲ جشنواره فجر با جشنواره‌های جهانی

رژه صفرها روی خط قرمز

بهناز شیربانی

ماجرای بودجه جشنواره‌ها، موضوع تازه‌ای نیست. دست‌کم هرز چنگاه به بهانه‌ای، بحث میزان هزینه‌هایی که برای برگزاری جشنواره‌ها در نظر گرفته شده است و خروجی‌ای که مدنظر اهالی سینما بوده خبرساز می‌شود و شاید در سال‌های اخیر با جداشدن بخش بین‌الملل از جشنواره فجر این موضوع کمی داغ‌تر شده است. هرچند این موارد همیشه مورد توجه رسانه‌ها نیز بوده و دست‌کم در چند روز گذشته که موضوع هزینه‌های جشنواره‌ها خبرساز شده، هنوز هم یکی از داغ‌ترین مباحث سینمایی است.

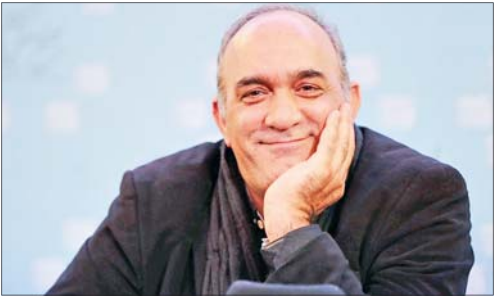
جشنواره به مسئولان ذی‌ربط ارائه می‌شود». در این مدت بسیاری از اهالی سینما در ارتباط با بودجه اعلام‌شده برای برگزاری بخش ملی و بین‌الملل جشنواره فیلم فجر، واکنش نشان داده‌اند. مهدی کرم‌پور، کارگردان، در گفت‌وگو با بانی‌فیلم درباره هزینه‌های صرف‌شده در برگزاری جشنواره فیلم فجر و مقایسه با جشنواره‌های معتبر دنیا گفت: «درحال حاضر اعلام شده که هشت‌ونیم میلیارد تومان صرف بخش بین‌الملل شده است، اما چه دستاوردی برای سینمای ایران داشته است؟ ... جز این است که پول خرج کرده و هزینه کردیم؟ ... اصلاً این هزینه فقط در پردیس کوچک «چارسو» اتفاق می‌افتد و عده‌ای خیلی خاص آنجا می‌آیند و قالیچه، پسته و پول می‌دهند تا از میان آنها برای مقاصد فردی برای جشنواره‌های دیگر داور انتخاب شود؛ این شیوه‌های

قدیمی که مثل باج‌دادن و خریداری چیزهایی است، بیشتر صرف مصارف فردی می‌شود، نه سینمای ایران، اصلاً نمی‌دانم امکان این وجود دارد که این میزان هزینه را بتوان در این پردیس کوچک صرف کنیم؟ ... جشنواره‌ای به وسعت جشنواره ونیز یا یک چهارم این بودجه برگزار می‌شود و بزرگ‌ترین سلبریتی‌های دنیا را با بهترین وسایل حمل‌ونقل در هتل‌های پنج‌ستاره می‌آورند، از آنها پذیرایی می‌شود و تا حد بسیاری در سینمای جهان و ایتالیا شناخته‌شده است».

در جشنواره‌های جهانی چه خبر است؟

عمده جشنواره‌ها در سراسر دنیا با پشتیبانی یک نهاد یا مؤسسه برگزار می‌شود و بخشی از هزینه‌ها از وزارت فرهنگ کشور تأمین می‌شود و معمولاً از طریق حضور اسپانسرها و همچنین تبلیغات، منبع تأمین بودجه

گفت‌وگو با شرخدا گودرزی کارگردان نمایش «سهروردی» ناراضی بودید، من پاسخ‌گویتان هستم



رضا آشفته

نمایش سهروردی، فیلسوف بزرگ اشرافی ایران‌زمین که زندگی‌ پر از ماجرا و تراژیک‌ی داشته، این روزها با نقش آفرینی علی‌ دهکردی در این نقش، در تالار وحدت و ساعت ۱۸ اجرا می‌شود. بنیان تفکر سهروردی با رویکردی به حکمت خسروانی (ایران باستان) و آنچه از حکمت هرمسی با افلاطون دریافت کرده‌بود، باشهودی که از آموزه‌های اسلامی فراگرفته‌بود او را مورد غضب متعصبان دوران خود قرار داد و موجب شد که مغنیان و متعصبان شهر حلب او را در عنفوان جوانی ۳۶ با به‌عبارتی ۸سالگی محاکمه کردند و به‌قتل رساندند. نمایش «سهروردی» نوشته و کارشکرخدا گودرزی است که در آن اصغر همت، حبیب دهقان‌نسب، فخرالدین صدیق شریف، افسر اسدی، الهام جعفرنژاد، نوید گودرزی، مجیب جعفری، اصغر معینی، علیرضا درویش‌نژاد و سمیه میربها، به‌ایفای نقش می‌پردازند.

ایجاد معنا خواهد شد و در شناسایی همین افراد مهم، چنین فرهنگ‌سازی‌ای ممکن خواهد شد. اینها نام‌های بلندی هستند که باعث ایجاد هویت می‌شوند و بحث فرهنگی یک شعار توخالی نیست؛ ما با داشته‌های اندیشه‌ای است که معنا می‌یابیم؛ ابن‌سینا در قرن چهارم، سهروردی در قرون پنجم و ششم و ملاصدرا در قرن ۱۱ بوده‌اند و با شناسایی همین‌هاست که معنا می‌گیریم. چون هر یک از اینها در زمانه خود قربانی تعصبات زمانه‌شان شده‌اند و به تعبیری افراد تک‌ساحتی ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا را مورد آزار تعصبات و‌خام‌اندیشی‌های خویش قرار داده‌اند. شناخت اینها به آدم امروز دلگرمی به زیستن می‌بخشد و اینکه آدمی خانواده‌ای دارد که شجره و اصالت دارد و آدمی که هیچ شناختی از خود ندارد، دچار تهی‌شدگی خواهد شد و این دو جهان‌های متفاوتی هستند.

آ سهروردی و فلسفه اشراق بسیار مهم و عمیق است، چقدر اینها را در صحنه نمایش ساده و همه‌فهم کرده‌اید؟

همان‌گونه که حکمت اشراق فلسفه‌ای است که اساس و بنیانش برگشت و شهود است و سهروردی آن را به‌طور دیداری بیان می‌کند، ما نیز سعی کرده‌ایم این عناصر دیداری را رنگ و لعاب بیشتری ببخشیم. با‌آنکه متن متنی به کلام و دیالوگ است، به مدد تصویر و عکس رفتاری باید آدمی در حیطه کشف و شهود حرکت کند که باید از آن انتظار داشته باشیم. بنیان فکری از تعبیر و تفسیر عکس نور و ظلمت، غار و بیرون از غار، حقیقت و سایه گرفته

جشنواره‌ها شروع به کار می‌کنند. همان‌طور که در جدول مطلب حاضر می‌بینید، جشنواره تورنتو از ۴۰ میلیون دلارِی که هزینه برگزاری جشنواره می‌شود، ۲۰ میلیون از فروش بلیت، ۱۳ میلیون اسپانسر و هفت میلیون از طریق فعالیت‌های انسان‌دوستانه تأمین می‌شود. جشنواره ریندس در ازای یک‌ونیم میلیون‌دلاری که صرف برگزاری‌اش می‌شود، یک‌ونیم میلیون دلار درآمد دارد و با جشنواره فیلم سیدنی که پنج میلیون دلار هزینه برگزاری آن است، دو میلیون دلار آن از سوی دولت تأمین می‌شود. از ۲۴ میلیون یورو بودجه سالانه جشنواره فیلم برلین، ۷۰۱ میلیون یورو آن به وسیله دولت تأمین می‌شود. از ۲۱٫۷ میلیون دلار بودجه جشنواره فیلم کن، نیمی از آن را شرکای جشنواره و نیمی دیگر را دولت تأمین می‌کند. جشنواره ونیز به‌عنوان اولین جشنواره مهم سینمایی جهان هرسال با بودجه معادل ۱۲ میلیون یورو برگزار می‌شود، هفت میلیون یورو از هزینه‌هایش را دولت تأمین می‌کند و بقیه این بودجه که مبلغ قابل‌توجهی است از سوی اسپانسرهای خصوصی تأمین می‌شود.

شرکت اتومبیل‌سازی ایتالیایی مازراتی اسپانسر اصلی جشنواره ونیز است. اما جشنواره فیلم رم یک جشنواره کاملاً خصوصی است که بودجه برگزاری آن ۱۰ میلیون یورو برآورد شده است، ۵۰ درصد از هزینه‌های خود را از طریق سرمایه‌گذارهای خصوصی به‌ویژه بانک‌ها و ۵۰ درصد دیگر آن را از جانب مؤسسات دولتی بالاخص شهر رم تهیه می‌کنند. با همه اینها، مسئله بودجه همیشه جزء چالش‌های جشنواره‌های جهانی بوده است. سال ۲۰۰۵ روبرتو بنینی، فیلم‌ساز سرشناس ایتالیایی، از تصمیم دولت این کشور برای کاهش بودجه جشنواره فیلم ونیز به‌شدت انتقاد و نگرانی خود را از احتمال تعطیلی جشنواره در آینده نه‌چندان دور اعلام کرد. بنینی آن زمان در مصاحبه‌ای گفته بود: «در ایتالیا وقتی پای صرف زمان، پول و انرژی به صورت عملی به میان می‌آید، روزبه‌روز از ارزش و اعتبار فرهنگ کاسته می‌شود. ما در اینجا استعداد‌های بسیار زیادی داریم که باید به آنها برسیم و بسیار ناراحت‌کننده است که به دلیل نداشتن بودجه کافی این اتفاق هرگز نمی‌افتد». همان سال سخنگوی جشنواره ونیز دراین‌باره گفت: «اگر کاهش بودجه عملی شود و هیچ جایگزینی هم برای جبران آن در نظر گرفته نشود، جشنواره فیلم ونیز در معرض خطر جدی تعطیلی است. ما خودمان را آماده انجام برنامه‌های بیشتری در دوره‌های آینده ونیز کرده بودیم، اما نه با این میزان بودجه».

منابع: کلسر دوین ال‌یوت گروو (مؤسس ریندس) استیون فالوز

گفت‌وگو با شرخدا گودرزی کارگردان نمایش «سهروردی» ناراضی بودید، من پاسخ‌گویتان هستم

شده و اینها را س‌ولوحه طراحی و نورپردازی و عناصر بصری قرار داده‌ام و جهان حاکم بر آن اجرا شده است و به‌عنوان جهان غار و تیرگی و جهان بیرون از غار و روشنائی دیده خواهند شد. چنانچه از همان آغاز نمایش سهروردی در کلاس درسش در صحنه در جست‌وجوی نورهایی است که در آن غبار به‌دنبال پیداکردن حقیقت است و اینکه نورهایی تابیدی می‌شود، تازه ظلمت از بین می‌رود و این اتفاق با تابش می‌افتد. عنصر بعدی تصویری، رابطه نور با اشیا و اجسام است که سهروردی در آن می‌پردازد، که در صحنه سیمو فصل تلاقی ظلمت و نور آن خط قرمز است و آن کشف و شهود ناثل می‌شود به عقل سرخ. اینها پیچیده‌ترین مفاهیم است که با ساده‌ترین زبان بیان می‌شود و بعد دیداری با مخاطب برقرار می‌کند و حتی مخاطب عام هم در نظر گرفته شده و برای این منظور قصه‌ای را مطرح می‌کنیم و سهروردی خیلی ساده و طبیعی در کلاس مجادله می‌کند و بعد به خانه‌ای با می‌گذارد که در آن عشق و مادری هست و همه اینها تومانی با هم می‌آیند و در قصه زندگی و معرفت‌شناسی در کنار هم آورده شده است.

آ چقدر موسیقی به فهم این نمایش کمک می‌کند؟

ما به موسیقی همان قدر اهمیت داده‌ایم که بشود بین چیدمان ارکستراسیون صدای بازیگران و چیدمان موسیقی و سازبندی‌ها همه با هم دیده بشوند؛ چون ریشه حکمت اشراق در حکمت هرمسی هم هست، بنابراین جایگاه کلاسیک دارد و از آن سو نیز از یک جایگاه ایرانی هم برخوردار است و بنابراین بخشی از سازها شامل پیانو، ویولنسل و ویلن آلتو می‌شود و در کنارش سازهای ایرانی عود و برپت هم در نظر گرفته شده و از آن سو نیز ساز کوبه‌ای پر حجم هم به کار گرفته می‌شود و همه اینها هم از لحاظ معنایی و هم از لحاظ شنیداری کارگرد پیدا می‌کنند و حالا انواع افکت با سازهای افکتیو دیگر اجرا می‌شود و ما لحظات افکتیو هم داریم.

آ سکوت و مکث چقدر در جریان اجرا برای ایجاد جریان شهودی به کار گرفته شده است؟

سعی کرده‌ایم گاهی موسیقی و گاهی حتی دیالوگ‌ها را متوقف کنیم و فقط سکوت باشد و در سکوت موسیقی مکث بازیگران اتفاق بیفتد و اینها هیچ‌گاه ریتم نمایش را برهم نمی‌زنند و حتی باعث ایجاد ریتم درونی و بیرونی می‌شوند و هماهنگی بین اجرا و مخاطب برای این‌فوذشدن در آن ایجاد شده است.

آ انتخاب بازیگران چقدر درجاذبه مؤثر مؤثر است؟

این بازیگران صاحب‌نام هستند در عرصه هنرهای نمایشی و از یک‌سو اصغر همت و افسر اسدی و از سوی دیگر علی‌ دهکردی و حبیب دهقان‌نسب و مانند اینها و حتی جوان‌هایی چون نوید گودرزی و الهام جعفرنژاد همگی می‌توانند جاذبه لازم را به اجرا بدهند؛ چون هر یک از اینها از ابتدا با متن و نقش‌هایشان تقریباً آشنا بوده‌اند و حتی می‌دانستند که این نقش‌ها برای آنها نوشته می‌شود. و برای آنها بارها این متن خوانده شده است. هر یک از اینها سر جای خودشان هستند و هیچ‌کدام زورکی برای نقششان انتخاب نشده‌اند.

آ توصیه به مخاطبان؟

بایاید سهروردی را ببینید و این یک رویداد بزرگ است که نباید آن را از دست بدهیم. بایاید واگر ناراضی بودید من پاسخ‌گویتان هستم و این اولین بار است که نمایشی از سهروردی به صحنه می‌آید که می‌تواند سرآغاز یک جست‌وجوگری درباره هویت ما باشد.

زیر آسمان فیروزهای

ارکستر ملی و جنجال رهبر میهمان



● **گروه هنر:** خبر رهبر میهمان ارکستر ملی ایران با انتقاد تند خبرگزاری‌ها به خبری پرسروصدا تبدیل شد. روز سه‌شنبه، روابط‌عمومی بنیاد رودکی در خبری اعلام کرد که ارکستر ملی ایران، قطعه «نی‌نوا»، اثر جوادانه حسین علیزاده را به رهبری مهدی وجدانی اجرا می‌کند. اگرچه خبر روابط‌عمومی با اغراق بر سابقه رهبری ارکستر و آهنگ‌سازی مهدی وجدانی تأکید کرده بود، اما فارس با تیتیر «وقتی یک رهبر درجه پنج با روابط خاص به ارکستر ملی ایران می‌رسد» شورای فنی ارکستر باید پاسخ‌گو باشد» دست به انتشار این خبر زد. فارس در این خبر که معاونت امور هنری را خطاب قرار داده بود، اعلام کرد: «هنوز دلایل این انتخاب از سوی شورای فنی ارکستر ملی ایران و همچنین مدیرعامل بنیاد رودکی مشخص نشده است و معلوم نیست که مسئولان چرا چوب حراج به این ارکستر پرافتخار زده‌اند و رهبری آن را به‌آسانی و درحالی‌که بسیاری از استادان بزرگ موسیقی ایران هنوز در قید حیات هستند، به یک موزیسین درجه پنج که تنها روزومه‌ای دانشجوئی دارد، داده‌اند». این خبرگزاری در ادامه انتقاد دیگری را مطرح کرد: «البته این اولین‌باری نیست که این شخص از روابطش در معاونت هنری به نفع خود استفاده می‌کند؛ او از زمان حضورش در معاونت هنری، دو دوره به‌عنوان مدیر روابط‌عمومی جشنواره موسیقی فجر و همچنین جشنواره موسیقی نواحی بوده است». همچنین تسنیم با اشاره به نام رهبران باسابقه‌ای مانند فرهاد فخرالدینی و فریدون شهبازیان به کارنامه رهبر میهمان ارکستر ملی این‌طور اشاره کرد: «وجدانی در کارنامه‌های رهبری ارکستر «نوای صلح» را دارد که آن هم به چند اجرا محدود می‌شود. کیفیت اجراهای وجدانی هم هرگز مورد توجه اهالی موسیقی قرار نگرفته است». در خبر روابط‌عمومی، از تأیید حسین علیزاده برای این اجرا یاد شده است، اما تسنیم این تأیید را این‌گونه تعبیر می‌کند: «علی‌زاده این قطعه نگاهی ملی دارد و هرگز مانع اجرای قطعه «نی‌نوا» حتی ازسوی ارکسترهای کوچک هم نشده است. ذکر این نکته هم لازم است که اجازه اجرای این قطعه از سوی حسین علیزاده هرگز به‌منزله حمایت این آهنگ‌ساز بزرگ از هیچ رهبر ارکستری نیست». اگرچه در خبر ارسالی روابط‌عمومی اشاره‌ای به مجری‌گری وجدانی نشده، اما تسنیم آن را این‌گونه طرح کرده است: «مهدی وجدانی علاوه بر رهبری ارکستر «نوای صلح»، در کارنامه‌اش سابقه مجری‌گری هم دارد. آخرین مراسمی که او مسئولیت اجرایش را به‌همراه یکی از مجریان زن برعهده داشت، مراسم اختتامیه دهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در کرمان بود. مهدی وجدانی در بخشی از این مراسم و زمانی که می‌خواست علی‌ مرادخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را روی صحنه دعوت کند، این بیت را خطاب به او خواند: همه عمر برندارم سر از این خمار مستی/ که هنوز نمی‌نبودم که تو در دلم نشستی». خبرگزاری ایلنا نوشت: «سابقه رهبری مهدی وجدانی به رهبری ارکستر نوای صلح بازمی‌گردد. هنوز مشخص نیست انتخاب مهدی وجدانی برای رهبر میهمان ارکستر ملی ایران بر چه اساسی صورت گرفته است». همچنین این خبرگزاری به سابقه درخشان ارکستر ملی در سال‌های گذشته اشاره کرده است: «ارکستر ملی ایران را پیش‌تر موزیسین‌هایی چون فرهاد فخرالدینی، فریدون شهبازیان و بردیا کیارس رهبری کرده‌اند». ارکستر ملی ایران در برنامه جدید خود، ۲۸ مهر در تالار وحدت روی صحنه می‌رود.

نگاه

سه‌شنبه‌های نشر «نگاه»



● **گروه هنر:** مؤسسه انتشارات نگاه هر سه‌شنبه آثار یکی از مؤلفان خود را با تخفیف ۲۱درصدی به مخاطبان عرضه می‌کند. سه‌شنبه‌های که گذشت، آثار لامحسین ساعدی از طریق سایت انتشارات عرضه شد. از این به بعد هشتک #سه‌شنبه‌های_نشر_نگاه فضای مجازی برای اطلاع‌رسانی این برنامه به کار گرفته می‌شود و هر هفته، نام و آثار یکی از مؤلفان از این طریق منتشر خواهد شد تا علاقه‌مندان از فرصت دریافت تخفیف ۲۱درصدی برخوردار شوند. علاقه‌مندان می‌توانند هر سه‌شنبه، آثار مؤلف‌هایشان تقریباً آشنا بوده‌اند و هم به صورت حضوری از طریق سایت انتشارات و هم به صورت حضوری در دفتر نشر نگاه، تهیه کنند. این طرح با ارائه آثار یکی از نویسندگان شهریه ایرانی یعنی بزرگ علوی کار خود را از سه‌شنبه ۲۱ شهریور آغاز کرده و در ادامه به آثار سایر نویسندگان و شاعران اختصاص خواهد یافت.